

■ **احمد رضا صدري**
روزه‌اي که بر ما می گذرد، تداعي گر تشکيل اولين دوره از مجلس خبرگان رهبري است که در دوره مسئوليت خویش، در سه‌پهر سياسي کشور، نقش آفريني آشکاري داشت و تصميماتي مهم و تاريخي را اتخاذ نمود.
مقالی که پیش رو داريد به اين مناسبت، به خوانشي از نحوه تأسيس و رويکردهای مهم اين مجلس در دوره حيات آن پرداخته است.
اميد آنکه مقبول افتد.
■ ■ ■

با فروپاشي نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ايران و برقراري نظامي اسلامي در سال ۱۳۵۷، لاجرم بايد قانون اساسي جديدي بر اساس شريعت و احکام اسلامي تدوين واصل ولايت فقيه به عنوان محور قانون اساسي در آن گنجانده می‌شد.
اين تئوري حکومتی بود که سال‌ها پيش از آن، رهبر کبير انقلاب طي چند جلسه در نجف تدريس کرده بود و اساساً اسلاميت نظام تازه تأسيس با آن تأمين می‌شد.
بديهي است که انتخاب ولي فقيه به عنوان مهم‌ترين نهاد جمهوري اسلامي، مستلزم تشکيل مجلسي بود که در آن مجتهدين و فقهای مجرب بتوانند با تشخيص مصداق صحيح رهبري پس از حيات امام خميني، عالي‌ترين سطح حاکميت نظام را تعيين و تثبيت کنند.

■ **مجلسي که پيشينه تاريخي نداشت**

پيش از پيروزي انقلاب اسلامي، هرگز چنين جمعي برای انتخاب رهبر یک جامعه شيعي سابقه نداشت و هر چند مباني نظري و فقهی آن تبیین شده بود، اما هرگز اقدامی عملي در اين جهت صورت نگرفته بود. لذا پس از انتخاب رئيس جمهور و نمايندگان اولين دوره مجلس شورای اسلامي، انتخاب نمايندگان مجلس خبرگان رهبري بسيار ضروري بود، زيرا اين مجلس در واقع خطرترين و مهم‌ترين نقش يعني انتخاب رهبر را به عهده داشت، به ويژه که شرايط جسمي حضرت امام و تهديدات داخلي و خارجي، ضرورت تسريع در تشکيل مجلس خبرگان رهبري را صـد چندان می کرد.

اين نگراني در بين اعضای مجلس برسي نهايی قانون اساسي هم وجود داشت. از جمله شهيد آيت‌الله بهشتي هنگام شور درباره اصل ۱۱۱ قانون اساسي گفت: «صـولا اگر بخواهيـد جامعه در مسيری که در قانون اساسي تعيين شده پيش برود، از اولين اقدامات تعيين خبرگان است، برای اينکه شما در اينجا نوشته‌ايد جانشين رهبر را بايد خبرگان معين کنند».

بدین ترتيب پس از انتخاب رئيس جمهور و نمايندگان مجلس شورای اسلامي، انتخابات مجلس خبرگان رهبري هم انجام شد و اين مجلس در سال ۱۳۶۶ رسماً فعاليت خود را شروع کرد.

■ **فرآيند عملی تشکيل اولين مجلس خبرگان رهبري**

انتخابات اولين دوره مجلس خبرگان رهبري، در ۱۹ آذر سال ۱۳۶۱ همزمان با انتخابات ميان دوره‌ای مجلس شورای اسلامي برگزار شد.
استقبال مردم از اين انتخابات در بسياری از حوزه‌ها، حتی از فرماندوم جمهوري اسلامي در ۱۲ فروردين ۱۳۵۸ هم پرشورتر و بيشتري بود.
اين حضور گسترده و چشمگير نشان می‌داد که ملت ايران اهميت مهم‌ترين رکن نظام جمهوري اسلامي، يعني رهبري را – که وجه تمايز آن از ساير نظام‌های جمهوري است – درک کرده و رسالت خود را به درستي انجام دادند.

از آنجا که عليه اصل ولايت فقيه در قانون اساسي، چه در داخل و چه در خارج تبليغات وسيعي صورت گرفته بود، تحليلگران سياسي چهاـن در انتظار واکنش ملت ايران روزشماری می کردند و اقبال گسترده مردمی در اولين انتخابات خبرگان رهبري، در واقع محکم‌ترين و روشن‌ترين پاسخ به کسانی بود که از روز نخست با اين اصل مخالفت کردند.
حضور قاطع مردم در دفاع از اين اصل، اعتبار و اقتدار و حقانيت نظام جمهوري اسلامي را در عرصه بين‌المللي تثبيت کرد و مشروعيت نظام را به رخ دشمنان داخلي و خارجي کشيد.
در اين انتخابات جامعه مدرسين حوزه علميه قم و جامعه روحانيت مبارز تهران ليست مشترکی دادند و حزب جمهوري اسلامي نيز مـهين ليست را پذيرفت و نامزد مستقلی را معرفی کرد.

■ **منتخبان حوزه انتخابيه تهران در آغازين دوره**

از خبرگان رهبري
در دور اول انتخابات مجلس خبرگان رهبري، اين افراد از حوزه تهران انتخاب شدند و تعيين نفر چهاردهم به انتخاب ميان دوره‌ای موکول شد.
حضرات آيات: سيدعلي خامنه‌ای، اکبر هاشمي رفسنجاني، علی مشکيني، عبدالکریم موسوي اردبيلي، محمد محمدی گيلاني، يوسف صائعي، محمد امامي کاشاني، محمدباقر قافري کني، غلامرضا رضواني، سيدمحمدباقر اسدي خوانساري، احمد آذري قمي، سيدهادي خسروشاهي و حسين راستي کاشاني.

■ **هيئت رئيـسه آغازين دوره از مجلس خبرگان رهبري**

پس از تشکيل اولين دوره مجلس خبرگان رهبري در سال ۱۳۶۲، برای انتخاب هيئت رئيـسه مجلس رأی گيري به عمل آمد و آيت‌الله حاج ميرزا علي مشکيني با ۴۵ رأی از ۶۴ رأی به رياست مجلس خبرگان انتخاب شد.
آيت‌الله هاشمي رفسنجاني با ۳۸ رأی نايـب رئيس، آيت‌الله مؤمن با ۴۵ رأی منشی اول و آيت‌الله طاهري خرم‌آبادی با ۳۷ رأی منشی دوم شدند.
مجلس خبرگان رهبري با فراغت پيام امام و سخنرانی آيت‌الله مهدي کني، رئيس هيئت مرکزي نظارت بر انتخابات خبرگان و ارائه گزارش از سوي ايشان کار خود را آغاز کرد.

اين مجلس در دوراني شکل گرفت که انقلاب اسلامي شرايط بحراني سال ۱۳۶۰ را پشت سر گذاشته و به ثباتی نسبي دست يافته، اما در گير جنگي ناخواسته شده بود. در چنين شرايطي تشکيل مجلس خبرگان رهبري با پشتوانه بيش از ۱۸ ميليون رأی از موفقيت‌های بزرگ جمهوري اسلامي محسوب می‌شد، به گونه‌ای که امام فرمودند: «انقلاب تثبيت شد، از اينده

مطمئن شدم!»

■ **تهيه قوانين داخلي آغازين دوره از مجلس خبرگان رهبري**

پس از انتخابات هيئت رئيـسه، اينک زمان تهيه و تصويب آيين‌نامه داخلي مجلس خبرگان بود.
طبق اصل ۱۱۱ قانون اساسي مصوب سال ۵۸، مقررات تشکيل خبرگان می‌بايست در اولين اجلاسيه اين مجلس تعيين شود.
اينک اين سوال مطرح بود که آيا مجلس خبرگان می‌تواند در دوره‌های بعد هم آيين‌نامه بنويسد يا فقط در اجلاس اول می‌تواند؟
در پی طرح اين پرسش، نائب رئيس مجلس خبرگان از شورای نگهبان – که مسئوليت تفسير قانون اساسي را به عهده دارد – درخواست کرد تا نظر تفسيري خود را درباره اصل ۱۱۱ قانون اساسي اعلام کند.
شورای نگهبان در پاسخ به اين استفسار، ي اعلام کرد: «تعيين مقررات تشکيل خبرگان مندرج در اصل ۱۱۱ قانون اساسي که می‌بايست در اولين جلسه به عمل آيد، مربوط به دستور اولين اجلاسيه است.
بنابراين هر نوع تغيير و اصلاح لازم از طرف مجلس خبرگان در مقررات مذکور، از نظر قانون اساسي بلامانع است و نيز طبق اصل ۱۰۸ قانون اساسي، وظيفه تهيه قانون در مورد تعداد و شرايط اعضای خبرگان و نحوه انتخاب آنها و آيين‌نامه داخلي جلسات آنان، برای مجلس دور اول، به عهده فقهای شورای نگهبان است».

در زمينه شناسايی و تعيين جانشين رهبري، برای جلوگیری از بروز فترت در نظام جمهوري اسلامي و ضمانت مداوم آن بر اساس اصل ولايت فقيه، در تاريخ ۵۹/۱۰ قانون تدوين و تنظيم و برای تصويب به امام تقديم و برخی از مواد آن اصلاح شد.

برای تهيه آيين‌نامه داخلي و مقررات اجرائی اصل ۱۱۱ قانون اساسي، اعضای کميسيون انتخاب شدند تا ضمن تهيه آيين‌نامه داخلي و تدوين مقررات اجرائی اصل ۱۱۱، گزارش‌های خود را به جلسه عومي خبرگان تقديم کنند تا مورد بحث و بررسي قرار گيرد.
پس از انجام اين روند، مجلس خبرگان رهبري شکل گرفت که پس از رحلت حضرت امام به شايسته‌ترين نحو، وظيفه قانونی خود را انجام داد و با اکثريت آرا مقام معظم رهبري را برای قبول اين مسئوليت برگزيد.

مجلس خبرگان بر اساس آيين‌نامه داخلي خود بايد سالی حداقل یک اجلاس داشته باشد و به بحث و بررسي درباره موضوعات مهم و اساسی در چارچوب وظائف و صلاحيت خود بپردازد.

■ **تعيين و عزل قائم مقام رهبري در اولين دوره از مجلس خبرگان**

یکی از مهم‌ترين وظائف مجلس خبرگان در نخستين سال‌های تشکيل، انتخاب قائم‌مقام رهبري بود. شرايط خاص جسماني امام، جنگ تحميلي، تهديدات داخلي و خارجي و تحركات و آشوب‌های



مجلس خبرگان رهبري، زمينه‌های تأسيس، پيامدها و دستاوردها

از آینده انقلاب مطمئن شدم!

ضدانقلاب در داخل کشور به ويژه موج عظيم ترورها

در سال‌های نخست انقلاب و انتخاب و معرفی قائم‌مقام رهبري را به امري اجتناب‌ناپذير بدل می‌ساخت.
مجلس خبرگان رهبري قصد داشت با تعيين قائم‌مقام رهبري، به ثبات نظام اسلامي کمک کند تا اگر حادثه‌ای برای امام پيش آمد، خلأ ناشی از فقدان ايشان موجبات سوءاستفاده‌های احتمالی را فراهم نياورد.
اينـک کار صورت گرفت، اما به دلایلي قائم‌مقام رهبري پيش از رحلت امام توسط ايشان عزل شد و خبرگان هم ديگر کسی را به عنوان قائم‌مقام رهبري معرفی نکرد.
آيت‌الله سيد جعفر کریمی از اعضای وقت مجلس خبرگان رهبري در اين باره می‌گويد: «در آن دوره، کشور در گير جنگ و مسائل و مشکلات فراواني بود.
خاطرم هست که مرحوم آقای جمی روزی اين مسئله را مطرح کرد که اگر خدای ناکرده برای امام اتفاقی بيفتد، در اين شرايط خطير و بحرانی، مسئولان فرصت کافي برای مشورت و انتخاب جانشيني امام نخواهند داشت و حمله در دوران نمايندگی دوره اول مجلس شورای اسلامي و دو دوره رياست جمهوري و امامت جمعه تهران، خدمت کرده، مراتب تقوا، بينش سياسي و اجتماعي، تدبير، شجاعت، مدیریت و قدرت خود را عملاً به اثبات رسانيده بود.
وجود امتيازات مذکور برای جمعی از نمايندگان، به ويژه همکاران و دوستان نزديک ايشان، امری واضح و روشن بود.
او از ياران صديق امام و در دوران هشت‌ساله جنگ تحميلي، در پست‌های مختلف لياقت و صداقت خود را به اثبات رسانيده بود...
طريق احراز شرط ديگر يعني اجتهاد و صلاحيت علمي برای افتاء در ابواب فقه دو چيز بود: يکي تحصيلات چندين ساله ايشان در درس‌های سطح فقه و اصول و ادامه آنها در درس‌های خارج، ديگري استعداد و هوش و حافظه قوی و پشتکار و جديت ايشان در درس و بحث و تدريس».
اين سرعت عمل و دقت در انتخاب، تاکنون مهم‌ترين کارکرد عيني و عملي مجلس خبرگان بوده است که موجبات استمرار نظام جمهوري اسلامي را فراهم آورد و جايگاه و نقش حياتی اين مجلس را در ساختار سياسي کشور و تصميم‌گيري در بزرگه‌های مهم تاريخی اثبات نمود.

■ **انتخاب آيت‌الله سيدعلي خامنه‌ای**

به رهبري در اولين دوره از مجلس خبرگان

طبق قانون اساسي مصوب سال ۵۸ برای تعيين رهبر

جمهوري اسلامي به سه شيوه می‌توان عمل کرد:

۱ – پذيرفته شدن یکی از فقهای واجد شرايط به مرجعيت و رهبري از طرف اکثريت قاطع مردم

۲ – انتخاب يک مرجع به عنوان رهبر از سوي

خبرگان رهبري

۳ – انتخاب سه يا پنج مرجع به عنوان اعضای شورای

رهبري توسط خبرگان رهبري

طبق قانون اساسي راه نخست يعني انتخاب یک مرجع توسط اکثريت قاطع مردم اولويت داشت و در صورت تحقق آن نوبت به انتخاب توسط خبرگان نمی‌رسيد.
در بازنگري مجلس خبرگان رهبري قصد داشت اصل مرجعيت در مورد رهبر و شورای رهبري بدین ترتيب مجلس خبرگان پس از رحلت امام حذف و انتخاب رهبري با احراز شرط مجتهد بودن فرد از سوي خبرگان رهبري، ميسر گرديد.
پس از تعيين قائم مقام رهبري، اينک کار صورت گرفت، اما به دلایلي قائم‌مقام رهبري پيش از رحلت امام توسط ايشان عزل شد و خبرگان هم ديگر کسی را به عنوان قائم‌مقام رهبري معرفی نکرد.
آيت‌الله سيد جعفر کریمی از اعضای وقت مجلس خبرگان رهبري در اين باره می‌گويد: «در آن دوره، کشور در گير جنگ و مسائل و مشکلات فراواني بود.
خاطرم هست که مرحوم آقای جمی روزی اين مسئله را مطرح کرد که اگر خدای ناکرده برای امام اتفاقی بيفتد، در اين شرايط خطير و بحرانی، مسئولان فرصت کافي برای مشورت و انتخاب جانشيني امام نخواهند داشت و حمله در دوران نمايندگی دوره اول مجلس شورای اسلامي و دو دوره رياست جمهوري و امامت جمعه تهران، خدمت کرده، مراتب تقوا، بينش سياسي و اجتماعي، تدبير، شجاعت، مدیریت و قدرت خود را عملاً به اثبات رسانيده بود.
وجود امتيازات مذکور برای جمعی از نمايندگان، به ويژه همکاران و دوستان نزديک ايشان، امری واضح و روشن بود.
او از ياران صديق امام و در دوران هشت‌ساله جنگ تحميلي، در پست‌های مختلف لياقت و صداقت خود را به اثبات رسانيده بود...
طريق احراز شرط ديگر يعني اجتهاد و صلاحيت علمي برای افتاء در ابواب فقه دو چيز بود: يکي تحصيلات چندين ساله ايشان در درس‌های سطح فقه و اصول و ادامه آنها در درس‌های خارج، ديگري استعداد و هوش و حافظه قوی و پشتکار و جديت ايشان در درس و بحث و تدريس».
اين سرعت عمل و دقت در انتخاب، تاکنون مهم‌ترين کارکرد عيني و عملي مجلس خبرگان بوده است که موجبات استمرار نظام جمهوري اسلامي را فراهم آورد و جايگاه و نقش حياتی اين مجلس را در ساختار سياسي کشور و تصميم‌گيري در بزرگه‌های مهم تاريخی اثبات نمود.

■ **توصيه‌ای از امام خطاب به اعضای آغازين دوره از مجلس خبرگان رهبري**

امام خميني در پيامی که برای مجلس خبرگان فرستادند، فرمودند: «شمايی فقهای شورای خبرگان و ای برگزیدگان ملت ستمديده در طول تاريخ شاهنشاهی و ستمشاهی! شما مسئوليتي را قبول کرديد که در رأس همه مسئوليت‌هاست.
مجلس خبرگان به هيچ وجه الا مصالح اسلام و مسلمين را نگذد که کوچک‌ترين سهل‌نگاری، بزرگ‌ترين فاجعه تاريخ را به وجود خواهد آورد.»

پیش‌خواب

به بهانه انتشار اثر تاریخی

«زندگی سیاسی و اجتماعی سیدعبدالله بهبهانی»

غبارزدایی از یک چهره!



■ **شهریار بهبهانی**

گزارش‌های موشق تاریخی حاکی از آنند که از آن هنگام که شعله مشروطيت رو به افول گرفت و فضای کشور رو به اختناق رفت، حقوق مطروحه در قانون اساسي مشروطيت و متمم آن که ثمره نهضت و مبارزات ملت بود، در اکثر موارد نادیده گرفته شد.
لحظلات اوليه دوران مشروطيت بيشتر به هرج و مرج شبیه بود تا دموکراسی و تنها در بخش‌هایی بسيار کوتاه‌از ادوار استقرار نظام مشروطه و آن هم به دلايل عديده داخلي يا بين‌المللي، ملت ايران توانست به مردم‌سالاری نزديک‌تر

برسد.
در بازنگري مجلس خبرگان رهبري، ميسر گرديد.
پس از تعيين قائم مقام رهبري، اينک کار صورت گرفت، اما به دلایلي قائم‌مقام رهبري پيش از رحلت امام توسط ايشان عزل شد و خبرگان هم ديگر کسی را به عنوان قائم‌مقام رهبري معرفی نکرد.
آيت‌الله سيد جعفر کریمی از اعضای وقت مجلس خبرگان رهبري در اين باره می‌گويد: «در آن دوره، کشور در گير جنگ و مسائل و مشکلات فراواني بود.
خاطرم هست که مرحوم آقای جمی روزی اين مسئله را مطرح کرد که اگر خدای ناکرده برای امام اتفاقی بيفتد، در اين شرايط خطير و بحرانی، مسئولان فرصت کافي برای مشورت و انتخاب جانشيني امام نخواهند داشت و حمله در دوران نمايندگی دوره اول مجلس شورای اسلامي و دو دوره رياست جمهوري و امامت جمعه تهران، خدمت کرده، مراتب تقوا، بينش سياسي و اجتماعي، تدبير، شجاعت، مدیریت و قدرت خود را عملاً به اثبات رسانيده بود.
وجود امتيازات مذکور برای جمعی از نمايندگان، به ويژه همکاران و دوستان نزديک ايشان، امری واضح و روشن بود.
او از ياران صديق امام و در دوران هشت‌ساله جنگ تحميلي، در پست‌های مختلف لياقت و صداقت خود را به اثبات رسانيده بود...
طريق احراز شرط ديگر يعني اجتهاد و صلاحيت علمي برای افتاء در ابواب فقه دو چيز بود: يکي تحصيلات چندين ساله ايشان در درس‌های سطح فقه و اصول و ادامه آنها در درس‌های خارج، ديگري استعداد و هوش و حافظه قوی و پشتکار و جديت ايشان در درس و بحث و تدريس».
اين سرعت عمل و دقت در انتخاب، تاکنون مهم‌ترين کارکرد عيني و عملي مجلس خبرگان بوده است که موجبات استمرار نظام جمهوري اسلامي را فراهم آورد و جايگاه و نقش حياتی اين مجلس را در ساختار سياسي کشور و تصميم‌گيري در بزرگه‌های مهم تاريخی اثبات نمود.

واقعيت آن است که در بيشتر اين دوران ۷۲ ساله، تنها شيخی از مجلس به عنوان سمبل حکومت مشروطه در ايران وجود داشت.
اکثريت و کلای آن نه نمايندگان ملت بلکه مبعوثان دربار و دولت‌ها بوده و دولت‌ها نيز ابزاری برای تحقق خواست دربار.

اما فلسفه پيدايش نهضت و وقوع انقلاب غير از آن بود که اتفاق افتاد؛ به طور قطع، آرمانی که مردم و رهبران نهضت در راه آن جانفشانی کردند، چيزی جز اين خيمه شب‌بازی برآش‌پز نبود.
ملت ايران، به عنوان یکی از پيشگامان مومکراسی در مشرق زمين، با آرزوی کوتاه کردن دست قدرت‌های منحن داخلي و استثمارگران خارجي و تهديد ريزه‌خواران و نوکران آنان و حاکميت مردم بر مردم و حفظ منافع و حقوق خود و ايجاد کشوري آزاد و سعادتمند، قدم در اين راه گذارد.
دلايل انحراف انقلاب از اهداف خود، هرچه بود، به‌طور قطع و يقين با نيت مبسزان آن متفاوت بود.

ملت ايران، پس از قرن‌ها اسارت و تحمل



به وجود آورد و اين همان اتفاقی است که در باره سيد عبدالله بهبهانی رخ داده است.
بدین معنا که در معرفی بهبهانی ما شاهد اظهار نظرانی کاملاً متفاوت هستيم به صورتی که می‌توان بر اساس متون موجود، وی را فردی فداکار، تا منفعت‌طلب و رشوه‌خوار، وطن دوست تا خائن و مستقل تا وابسته تعريف کرد.

برخی او را فردی انقلابی که در پی استقرار نظام سياسي جديد بوده پنداشته‌اند و برخی ديگر حضور وی در صحنه انقلاب را ناشی از غرض شخصی و ضديت با عين‌الدوله دانسته‌اند.
برخی او را فردی فداکار دانسته‌اند که یک تـنه در مقابل استبداد می‌ايستد و در مقابل گلوگه، سينه سپر می‌سازد و برخی او را مردی طماع و اهل دزد و بـند معرفی می‌کنند

که در هر شرايطی آنچه برايش اهميت دارد، منافع مادی است.
برخی او را حامی انقلاب و انقلابيون و مصلح اجتماعي می‌دانند و برخی ديگر او را وابسته به امين‌السلطان و سياست بيگانگان!
اگرچه وی مانند هر انسان و هر رجل سياسي در کنار محاسن، معايب و نقاط ضعفي نيز دارد، ولی قضاوتی اينچنين دوگانه و برشمردن صفاتی اينچنين ناسخ و منسوخ، راه را بر شناخت نسبي وی ناهموار می‌سازد.
هرچند که قضاوت مورخين درباره بهبهانی متفاوت می‌باشد ولی اکثر آنان در یک مطلب اتفاق نظر دارند و اين نکته را مهدي بامداد در شرح حال رجال ايران چنين بيان می‌سازد: «سيد عبدالله، برای هر نظری که فرض شود یکی از پيشوايان و مؤسسين مشروطيت ايران است که زحمات بی‌شماری را در اين راه متحمل شد».
اگر اين گفته بامداد را پذيريم؛ خوانندگان با نگارنده هم‌عقيده خواهند بود که جای یک کار همت گماردند.
اين در حالی است که در تمامی متونی که درباره انقلاب مشروطيت نوشته شده و با سرگذشت‌ها و خاطرات نقل شده از اين دوران لاجرم افعال و کردار وی ثبت شده است، وليکن کتابی که به صورت مستقل به زندگی سياسي او پرداخته باشد،

